فهرست مطالب

[اشاره 2](#_Toc505775375)

[اصل رعایت تفاوت‌های فردی 2](#_Toc505775376)

[اقسام کلی تفاوت‌های انسانی 2](#_Toc505775377)

[تفاوت‌های فردی در آیات و روایات 3](#_Toc505775378)

[چهار گروه اصلی در تفاوت‌های افراد انسان و ده شاخه صنفی 3](#_Toc505775379)

[نگاه دین در تشابهات و تفاوت‌های افراد انسان 4](#_Toc505775380)

[آیه اول: آیه 13 سوره مبارکه حجرات 4](#_Toc505775381)

[نکات مرتبط آیه نخست 4](#_Toc505775382)

[1. تنوع آحاد بشری 4](#_Toc505775383)

[2. جعل تکوینی 4](#_Toc505775384)

[3. معنای شعوب و قبائل 5](#_Toc505775385)

[4. تفاوت شعوب و قبائل 5](#_Toc505775386)

[5. لام غایت در کلمه لتعارفوا 6](#_Toc505775387)

[6. غایت تفاوت‌ها 6](#_Toc505775388)

[7. نفی ارزش‌گذاری 6](#_Toc505775389)

بسم الله الرحمن الرحیم

**موضوع: اصول و روش‌های تربیتی/ اصل رعایت تفاوت‌های فردی**

# اشاره

# اصل رعایت تفاوت‌های فردی

اصل دیگری که موردبررسی قرار گرفت، اصل رعایت تفاوت‌ها، با تأکید تفاوت‌های فردی بود، در مقدمه مبحثی را در خصوص مشابهات افراد انسانی و مفارقات آن‌ها مطرح کردیم، به‌عبارت‌دیگر تشابه‌ها و تفاوت‌های افراد نوع انسانی که در تعلیم و تربیت محل بحث و متعلق تعلیم و تربیت هستند را با یک نگاه مزدوج و ترکیبی از مسائل فلسفی و علوم انسانی در یک طبقه‌بندی ارائه کردیم، یک نوع، تفاوت‌های فرد انسانی با غیر خودش از انواع و اجناس دیگر، نوع دیگر تفاوت‌های درون نوع انسانی بود، بیشتر دومی محل نظر است، از یک منظر می‌توانیم تفاوت‌ها را به دو قسم کلی تقسیم بکنیم:

# اقسام کلی تفاوت‌های انسانی

1 – تفاوتی که یک فرد انسانی با افراد ماوراء نوع خود و برون از نوع خود دارد که سلسه‌مراتب دارد.

2 – تشابه‌ها و تفاوت‌هایی که فرد انسانی با افراد دیگر دارد.

 تفاوت‌هایی فردی که گفته می‌شود، مقصود دومی است، درواقع تفاوت‌های صنفی است و تفاوت‌های ذاتی شخص بالذات به مفهوم فلسفی نیست، در این مفهوم حدود ده نوع تفاوت صنفی میان آحاد انسانی را بیان کردیم و گفتیم این تفاوت‌ها مستند به یک ویژگی‌هایی است که آن ویژگی‌ها فرد را از دیگران جدا می‌کند و احیاناً همان ویژگی گروهی را درست می‌کند، یعنی وجه مشابهت با جمع دیگری می‌شود، وقتی گفته می‌شود که این فرد از این نژاد است، این نژاد ضمن اینکه او را از آن‌ها جدا می‌کند، یک جمعی هم ذیل او جمع می‌شود، لذا این تفاوت‌های صنفی است که غالباً در قالب تفاوت گروهی قرار می‌گیرد، یعنی با وجه مشابهت جمعی می‌شود آن‌ها را از دیگران جدا کرد، می‌تواند گروه‌های بزرگ باشد، یا گروه‌های متوسط یا گروه‌های کوچک باشد، ممکن است به جایی برسد که این فرد در این ویژگی منحصربه‌فرد باشد، می‌تواند سلسله‌مراتب پیدا بکند، این یک نگاه جامع علمی فلسفی بود که در اینجا ارائه کردیم، طبقه‌بندی ولو اینکه حالت استقرائی دارد، اما نسبتاً از یک استقراء موسع و جامعی برخوردار بود، یک تقسیم کلی در تفاوت‌ها انجام دادیم، در حوزه صنفیش ده عنوان ردیف شد.

# تفاوت‌های فردی در آیات و روایات

در مقدمه دیگر نگاهی قرآنی و دینی به این مقوله داشته باشیم، در مبحث دوم طبق آنچه در آیات و روایات داریم، چه رویکرد و نگاهی به این سلسله تفاوت‌های جنسی، نوعی، صنفی، فردی بالذات و ضمن صنفی هم ده عنوان است، وجود دارد، گرچه مستقیم مبحث فقهی نیست، جای بسط و توسعه بیشتر و تعمیق بیشتر دارد، به آیات و روایاتی بپردازیم که به این مقوله پرداخته است، این مقدمه مباحث فقهی نیست.

تفاوت‌های فردی یا افتراق‌های افراد به انسان را تصنیف کردیم و طبقه‌بندی کردیم، این‌ها همه در مقایسه فرد با دیگران بود، بحثی قبلاً داشتیم که مقایسه احوال خود فرد بود، این همان رعایت مراحل رشد و تدریج بود، یکی از شقوق تدریج، احوال خود فرد در گذر زمان بود، تکون یک فرد از نطفه آغاز می‌شود و به کهولت سن می‌رسد.

در اینجا تفاوت‌های افراد را می‌بینیم، اما تفاوت‌های احوال یک فرد در گذر زمان، در بحث‌های قبلی مورد توجه قرار گرفت، مجموعه چند آیه در این زمینه هست که به همین مبحث اشاره دارد، یا می‌تواند اشاره داشته باشد، مروری می‌کنیم، طبعاً قرآن و دین وقتی به مقوله تفاوت‌ها می‌پردازد، از منظر دینی و تأمین سعادت می‌خواهد این تفاوت‌ها را ارزیابی بکند و ارزش‌گذاری بکند، چون وقتی قرآن و روایات وارد در این بحث تکوینی می‌شود، حتماً یک منظر خاص دینی در او وجود دارد، سؤالمان در مبحث دوم این است که ببینیم دین چگونه به این تفاوت‌ها پرداخته است و از چه منظرهایی به این تفاوت‌ها توجه کرده است، توجه دین به این تفاوت‌ها که در اینجا تفاوت‌های افرادی و اصنافی است، در اصل تدریج، تفاوت‌های احوالی فرد را بیان کردیم، توجه دین به این مقوله تشابه‌ها و تفاوت‌ها، حتماً با یک غرض دینی است که انجام می‌پذیرد، همین غرض‌ها هست که ما را از این توصیف‌های دینی به فقه منتقل می‌کند، خواهیم دید که چگونه به فقه منتقل می‌شویم، ما در اینجا دو مبحث را ارائه کردیم:

# چهار گروه اصلی در تفاوت‌های افراد انسان و ده شاخه صنفی

مبحث اول این بود که با یک نگاه فلسفی و علمی و تحلیلی می‌توانیم بگوییم که تشابه‌ها و تفاوت‌های افراد انسانی، چهار گروه اصلی و در گروه‌های صنفی، در ده شاخه قرار می‌گیرد، این منظر فلسفی علمی بود که عرضه کردیم.

# نگاه دین در تشابهات و تفاوت‌های افراد انسان

در مبحث دوم می‌خواهیم بدانیم که دین چه نگاهی به این تشابه‌ها و تفاوت‌ها دارد، و اینکه چگونه این نگاه ما را به فقه نزدیک می‌کند.

اینکه آیا قرآن و روایات به تشابه‌ها و تفاوت‌ها نگاهی دارد و اینکه چگونه توجهی دارد، به تقسیم‌بندی چهارضلعی که یک ضلع آن تقسیم ده شعبه‌ای شد، اسلام چگونه نگاهی دارد؟ البته به نحوی این آیات و روایات با تقسیم مراحل رشد و تطورات احوالی افراد هم ربط دارد.

# آیه اول: آیه 13 سوره مبارکه حجرات

آیه اول در سوره حجرات است، می‌فرمایند: «**يا أَيُّهَا النّاسُ إِنّا خَلَقناكُم مِن ذَكَرٍ وَأُنثى وَجَعَلناكُم شُعوبًا وَقَبائِلَ لِتَعارَفوا إِنَّ أَكرَمَكُم عِندَ اللَّهِ أَتقاكُم إِنَّ اللَّهَ عَليمٌ خَبيرٌ**»[[1]](#footnote-1).

## نکات مرتبط آیه نخست

 در این آیه نکاتی وجود دارد:

### 1. تنوع آحاد بشری

نکته اول این است که تنوع آحاد بشری در عداد آن آیات است که نِعَم الهی را بیان می‌کند و خود این تنوعات آحاد بشری و افراد بشری را در عداد این نِعَم مهم الهی قرار داده است که خداوند منت می‌گذارد که ما این نعمت‌ها را به شما داده‌ایم، شعوب و قبائل و تنوعات صنفی، به‌عنوان یک نعمت، یک پدیده ارزشمند و هدیه الهی و عنایت خدا به شمار می‌آید، که به اصطلاح ما، نوعی تفاوت‌های فردی است که این گروه‌ها را درست کرده است.

### 2. جعل تکوینی

مقصود از جعل در **جعلناکم**، جعل تکوینی است، چون جعل به دو قسم تکوینی و تشریعی تقسیم می‌شود.

### 3. معنای شعوب و قبائل

نکته سوم این است که در اینجا دو مفهوم آمده است، یک مفهوم شعوب که جمع شَعب یا شِعب است، قبائل هم جمع قبیله است، شعوب از ماده انشعاب و تفاوت و امثالهم است، آنچه در تفاسیر در تفاوت شعوب و قبائل آمده است، ضمن اینکه هر دو را به معنای همان قبیله و عشیره تلقی کرده‌اند، تلقی‌شان مجموعه افرادی است که به شکل پیوندهای سببی و نسبی و یک نوع اجتماع مکانی برای آن‌ها وجود دارد، اما هر دو برمی‌گردد به یک نوع گروه‌بندی و تجمعاتی که در اثر عمدتاً روابط سببی و نسبی و اجتماعات خاص اقلیمی پیدا شده است.

### 4. تفاوت شعوب و قبائل

در تفاوت میان شعوب و قبائل می‌گویند شعوب گروه‌های خیلی بزرگ است، قبیله کوچک‌تر است، شعوب اجتماعات بزرگ که در یک اقلیم است، مثلاً یک شهر یا روستای بزرگ هستند که یک پیوندهای سببی و نسبی هم دارند، ممکن است از این هم کمی بالاتر بیاید، یعنی کسانی که اجتماعات اقلیمی دارند، اما قبیله کوچک‌تر از شعوب است، پیوندهای سببی و نسبی در میان آن‌ها قوی‌تر است، اما در شعوب کم‌رنگ‌تر است.

امکان دارد که یک احتمالی در اینجا وجود داشته باشد و آن این است که شعوب در اینجا به معنای خاصی که در اینجا گفته‌شده، نباشد، شاید اعم باشد، یعنی شعوب را به همان معنای لغوی‌اش برگردانید، یعنی شمارا شعبه شعبه قرارداد، یعنی انواع تنوع‌ها را میان شما قرارداد، اگر تفاوت اولی میان شعوب و قبائل باشد، کمی محدودتر است، به همه انواع تفاوت‌های دوازده‌گانه‌ای که بیان شد، نمی‌پردازد، بیشتر تفاوت‌هایی این قبیله با قبیله دیگر، یا عشیره با عشیره دیگر پرداخته شده است، اگر معنای دوم گرفته شود، دامنه بیشتری از تفاوت‌ها را در بر می‌گیرد.

شعوب و قبائل با مناسبات حکم و موضوع، به عنوان نمونه است، مهم چیزی است که از لتعارفوا به دست می‌آید، وقتی مجموع آیه دیده شود، آیه مشخصاً به تفاوت شعب و قبیله اشاره کرده است، درواقع این‌ها نمونه است، یعنی خداوند شمارا با تفاوت‌های گوناگون قرار داده تا جدایی شما و بازشناسی شما از یکدیگر محقق بشود، لتعارفوا که غایت این است، درواقع قرینه می‌شود، برای اینکه این شعوب و قبائل را فقط تفاوت‌های اقلیمی و نژادی تفسیر نکنید، اگر هم تفسیر می‌کنید، کمک می‌کند که الغای خصوصیت بکنید، درواقع آیه قصد دارد که یک‌چیز کلی بگوید، یک چیز غالبی را بیان کرده است، بعید نیست این نکته موجب تعمیم بشود، آیه می‌خواهد بفرماید که ما شما را گروه‌گروه قراردادیم، گروه‌های اقلیمی، نژادی، زبانی، فرهنگی، جنسیتی و امثالهم.

یا اینکه می‌گوییم شعوب معنایی به این صورت دارد که در نکته سوم در احتمال دوم بیان کردیم، یا اینکه فراتر از آن است که در نکته چهارم گفتیم، ولو اینکه معنای لفظی‌اش این است اما الغای خصوصیت می‌شود.

### 5. لام غایت در کلمه لتعارفوا

نکته پنجم این است که لام در لتعارفوا، لام غایت است، لام نهایت نیست، برای اینکه خداوند این خلقت گوناگون و ایجاد این تنوعات را می‌گوید که ما برای این مطلب انجام دادیم، که غرض و هدف و غایت می‌شود.

### 6. غایت تفاوت‌ها

 نکته ششم در تعارفوا است که به عنوان غایت این تفاوت‌ها است، نگاه دین به گوناگونی خلقت انسان‌ها است، فلسفه‌اش این است که شما بتوانید یکدیگر را از هم بازشناسید، برای اینکه طبقه‌بندی گروهی و صنفی و فردی دقیق بشود، این بازشناسی واضح است، از ماده عرفان و معرفت است که شناخت ریز و دقیق است.

### 7. نفی ارزش‌گذاری

نکته هفتم این است که آیه نفی یک ارزش‌گذاری می‌کند، این‌ها برای بازشناسی است، می‌تواند این‌ها منشأ ارزش‌گذاری و طبقه‌بندی ارزشی هم بشود و «**إِنَّ أَكرَمَكُم عِندَ اللَّهِ أَتقاكُم**» نکته بعد است، آیه ارزش‌گذاری مبتنی بر این شعب و قبیله و این نوع تفاوت‌ها را نفی می‌کند، طبعاً ارزش‌گذاری مادی وجود دارد، ممکن است هنرهای زیباشناختی، هنری، چیزی وجود داشته باشد اما در داوری نهایی مبتنی بر سعادت این‌طور نیست، این‌ها هیچ‌کدام منشأ ارزش‌گذاری سعادتی نمی‌شود، بلکه «**إِنَّ أَكرَمَكُم عِندَ اللَّهِ أَتقاكُم**» بیان‌گر آن است.

آیات دیگر عبارت‌اند از:

1 - آیه 32 سوره زخرف«**أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ**»

2 - آیه 14 سوره نوح «**وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا**»

3 - آیه 165 سوره انعام «**وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ**»

4 - آیه 118 سوره هود «**وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ**»

5 - آیه 48 مائده «**وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلٍّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ**»

6 - آیه 22 روم «**وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِلْعَالِمِينَ**»

7 - آیه 28 سوره فاطر «**أَ لَمْ تَرَ أَنَّ اللهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّماءِ ماءً فَأَخْرَجْنا بِهِ ثَمَراتٍ مُخْتَلِفاً أَلْوانُها وَ مِنَ الْجِبالِ جُدَدٌ بِیضٌ وَ حُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوانُها وَ غَرابِیبُ سُودٌ**»

8 - آیه 21 اسراء «**انْظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَلَلْآخِرَةُ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ تَفْضِيلًا»**

بخشی از آیات است که هم منظر معارفی اسلام در این‌ها دیده می‌شود و بعد هم به مسائل فقهی این‌ها می‌پردازیم.

1. - سوره مبارکه حجرات آیه 13. [↑](#footnote-ref-1)